

تسلط ایران بر شریان‌های انرژی جهان، رؤیای «انرژی ارزان» ترامپ را بر باد داد و رکورد تاریخی قیمت سوخت در آمریکا را شکست

تاوان جنگ نفتکش‌ها



گروه اقتصادی: بیش از ۶ ماه از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد و این جنگ، مثل رودخانه‌ای که مسیر خود را در دل کوه باز می‌کند، حالا به نقطه‌ای رسیده که کمتر کسی پیش‌بینی‌اش را می‌کرد. از ابتدای آغاز درگیری‌ها تا امروز، صحنه نبرد چند بار تغییر کرده است؛ از حملات هوایی و پدافندی گرفته تا جنگ زیرساختی و اقتصادی اما آنچه در روزهای اخیر رخ داده، رنگ و بوی تازه‌ای دارد و به جنگ نفتکش‌ها کشیده شده است. آمریکا علیه ۵ نفتکش ایرانی در خلیج عمان و نزدیکی جزیره خارک عملیات انجام داده و ایران نیز در پاسخ، پایگاه العزرق آمریکا در اردن، ۲ ناوشکن آمریکایی و ۸ نفتکش را هدف حملات موشکی قرار داده است. این رفت‌وبرگشت در دور تازه جنگ که رسانه‌های غربی از آن با عنوان «جنگ نفتکش‌ها» یاد کرده‌اند، اقتصاد جهانی را در آستانه یک تکانه بزرگ قرار داده است. قیمت نفت برنت که معیار جهانی قیمت‌گذاری است، صبح دیروز به ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسید؛ رقمی که طی ۳-۲ ماه اخیر بی‌سابقه بوده است.

■ اهداف تازه اقتصادی در تبررس ایران

تا پیش از این هفته‌ها، آتش جنگ بیشتر بر سر پایگاه‌های نظامی، تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های دفاعی شعله می‌کشید اما حالا هدف، ناوگان تجاری و صادراتی است؛ همان رگ‌هایی که نفت را به بازارهای جهانی می‌رساند. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرده علیه نفتکش‌های کابوز، چارمینار، هورایزن ۱ و ریسکو در خلیج عمان و نفتکش دریا در نزدیکی خارک عملیات انجام داده است.

ایران نیز در پاسخ از هدف قرار دادن پایگاه العزرق در اردن و منهدم کردن سامانه‌های نگهداری جنگنده‌های آمریکایی در این حمله خبر داده است. همچنین هدف قرار دادن ۲ ناو آمریکایی و ۸ نفتکش دیگر با موشک‌ها جدید و خاص و شکار زیردریایی خودکار آمریکایی توسط سپاه پاسداران معادلات جنگ را به کلی تغییر داده است.

با این حال، تاریخ اقتصادی ایران، خاطره‌ای آشنا از جنگ نفتکش‌ها دارد. در دهه ۶۰ و در بحبوحه جنگ تحمیلی ۸ ساله، عراق و متحدانش با هدف قرار دادن کشتی‌های نفتی ایران در خلیج فارس تلاش کردند رگ صادراتی کشور را ببندند. آن دوران با همه سختی‌اش، در چارچوب یک جنگ کلاسیک میان ۲ کشور همسایه معنا می‌یافت. آنچه امروز شاهدش هستیم اما شکل دیگری دارد. درگیری مستقیم میان ارتش ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان با ایران بر سر کنترل یکی از حساس‌ترین گذرگاه‌های انرژی این کره خاکی تمام جهان را متاثر کرده است.

تفاوت اصلی در این است که این بار ایران با تسلط بالا در حال تحقق گام‌های عملیاتی جنگ در نبرد میان نفتکش‌هاست. وضعیتی که آمریکا تلاش داشت ایران را به «خفگی اقتصادی» بکشانند، حالا مانند سیلی به صورت غرب برگشته است. گام برداشتن در مسیر اهداف عملیاتی در تنگه هرمز برای ایران تا آنجا موفق و موثر بوده که مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در یک موضع انفعالی و واکنشی بیان داشته اگر ایران حمله به ناوها و نفتکش‌ها را ادامه دهد، ما هم نفتکش‌های آنها را هدف قرار خواهیم داد.

کارشناسان امنیتی نیز به این تشخیص رسیده‌اند آمریکا با اقدامات اخیر خود نخواهد توانست در نتیجه جنگ تأثیری بگذارد و اوضاع از کنترلش خارج است. دنی سیتربنویوتز، پژوهشگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل اخیراً هشدار داده که «هیچ راه‌حل نظامی برای مسأله تنگه هرمز وجود ندارد» و هر تلاش برای تحمیل چنین راه‌حلی، ۲ طرف را به سمت تشدید تنش می‌برد که کنترلش دشوارتر خواهد شد. **■ دل‌راهی که از جیب آمریکایی‌ها بیرون می‌رود**

تشدید ناامنی در یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری و معطل ماندن هر کشتی در تنگه هرمز یا هر نفتکشی که در آن آسیب می‌بیند، اثرش را بر سفره هر خانواری از توکیو تا تورنتو می‌گذارد. در کنار آن، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز از تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای اعلام یک منطقه محدود خارج از تنگه هرمز خبر داده و گفته هر کشتی‌ای که وارد این منطقه شود، در فهرست تحریمی ایران قرار می‌گیرد. سپاه نیز به کشتی‌های نزدیک بنادر کویت و بحرین هشدار

داده هر چه سریع‌تر تخلیه شوند.

این وضعیت، بازار جهانی را در حالت آماده‌باش نگه داشته است. نیل ویلسون، استراتژیست ارشد سرمایه‌گذاری ساکسو در بریتانیا، در توصیف روزهای اخیر گفته بازارها دیگر یک جنگ کوتاه‌مدت را قیمت‌گذاری نمی‌کنند، بلکه یک جنگ طولانی و اختلال پایدار در بازارهای انرژی را در محاسبات خود گنجانده‌اند. به گفته او، اکنون درگیری و اختلال، یک ویژگی ساختاری بازار شده و از یک عارضه موقت خارج شده و همین برداشت است که فشار تورمی و مالی را برای دولت‌های غربی پایدار می‌کند.

نکته مهم این است که حالا بار سنگین جنگ روی دوش شهروندان عادی آمریکا افتاده است. کشوری که خود را برنده میدان می‌داند، در جنگ نفتکش‌ها سرگردان در کنترل نرخ‌های انرژی و تورم مانده است. بر اساس برآورد هزینه جنگ که مؤسسه واتسون دانشگاه براون منتشر کرده، مصرف‌کنندگان آمریکایی از آغاز جنگ تاکنون تنها بابت بنزین و گازوئیل ۱۰۰ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بیشتر پرداخت کرده‌اند؛ رقمی معادل ۷۷۰ دلار برای هر خانوار آمریکایی. از این مبلغ، ۵۵ میلیارد دلار به بنزین اختصاص دارد و ۴۶ میلیارد دلار به گازوئیل.

قیمت بنزین در آمریکا سه‌شنبه به بالاترین رقم ۳ ماه اخیر یعنی ۴ دلار و ۱۵ سنت در هر گالن رسید و روز کارگر امسال گران‌ترین روز کارگر تاریخ آمریکا از نظر قیمت بنزین ثبت شد. گازوئیل وضعیت بدتری دارد. قیمت آن به ۵ دلار و ۹۰ سنت در هر گالن رسیده، در حالی که در آغاز جنگ ۳ دلار و ۷۶ سنت بود. این رقم، رکورد پیشین سال ۲۰۲۲ را نیز پشت سر گذاشته و طبق آمار در ایالت کالیفرنیا حتی به ۷ دلار و ۸۳ سنت رسیده است؛ انقدر بالا که به گفته یک تحلیلگر بازار سوخت، برخی پمپ بنزین‌ها اصلاً برای نمایش چنین ارقامی طراحی نشده‌اند.

این گرانی، تنها به جیب مردم آمریکا آسیب نمی‌زند، به موتور تولید نیز آسیب می‌رساند. گازوئیل سوخت کامیون، قطار، تراکتور و کشتی است؛ یعنی همان چیزی که کالا را از کارخانه به فروشگاه می‌رساند. کارشناس ارشد انرژی شرکت گالف اویل هشدار داده پاییز امسال گران‌ترین فصل تاریخ برای بنزین و به‌ویژه گازوئیل خواهد بود و همین موضوع،

تورم را به تمام بخش‌های اقتصاد آمریکا تریق می‌کند. پیش‌بینی می‌شود گزارش شاخص قیمت مصرف‌کننده که قرار است جمعه منتشر شود، رشد سالانه تورم را ۳،۴ درصد نشان دهد؛ رقمی که همچنان بسیار بالاتر از هدف ۲ درصدی بانک مرکزی آمریکاست و فدرال‌رزرو را به سوی افزایش دوباره نرخ بهره سوق می‌دهد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که در انتخابات سال ۲۰۲۴ وعده «انرژی ارزان» داده بود، اکنون در موقعیتی دشوار قرار دارد. او شب دوشنبه در شبکه اجتماعی خود نوشت قیمت نفت به محض «پیروزی» در جنگ با ایران به‌شدت کاهش خواهد یافت؛ جمله‌ای که ماه‌هاست تکرار می‌شود اما واقعیت بازار انرژی هر روز آن را دورتر می‌نمایاند.

■ اروپا و زمستانی گران‌تر از همیشه

اگر آمریکا از سوختش می‌سوزد، اروپا تحت فشار شدید گاز قرار دارد. قیمت گاز طبیعی عمده‌فروشی در بریتانیا نسبت به سپتامبر گذشته ۱۲۵ درصد افزایش یافته، در حالی که نفت برنت در همین بازه زمانی حدود ۵۰ درصد گران‌تر شده است. این فاصله معنادار است. کمبود نفت را می‌توان با سهولت بیشتری از منابع دیگر جبران کرد اما جایگزینی گاز به‌ویژه در فصل سرد کار ساده‌ای نیست. ذخایر گاز اروپا هم‌اکنون در پایین‌ترین سطح ۱۲ سال گذشته قرار دارد، چرا که خریداران آسیایی حاضر شده‌اند برای محموله‌های گاز طبیعی مایع بهای بیشتری بپردازند و رقابت را به سود خود تمام کنند.

نتیجه این وضعیت، زمستانی گران برای خانوارهای بریتانیایی و اروپایی است؛ هزینه‌ای که به‌سرعت در دیگر بخش‌های تورم نیز نمایان می‌شود. بازارهای سهام هم در واکنش به عبور نفت از مرز ۱۰۰ دلار افت کردند و بازده اوراق قرضه دولتی افزایش یافت؛ یعنی سرمایه‌گذاران برای نگهداری بدهی دولت‌ها، حق بیمه بیشتری طلب می‌کنند. هزینه استقراض بلندمدت بریتانیا به سطوحی رسیده که دهه‌هاست تجربه نشده بود. این فشار مالی درست در آستانه ارائه بودجه جدید چانسلور جان هیلی رخ داده است؛ کسی که متعهد شده به قواعد مالی دولت پیشین پایبند بماند اما اکنون با هزینه خدمات بدهی‌ای روبه‌رو است که در سال مالی جاری از ۱۱۰ میلیارد پوند فراتر می‌رود. تنگنای مالی،

تنگنای بودجه‌ای و تنگنای انرژی، اضلاع مثلث فشاری‌اند که همزمان روی دولت بریتانیا سنگینی می‌کند.

■ مسیر آینده قیمت نفت

پرسش اصلی بازارها بعد از ورد جنگ به فاز نفتکش‌ها این است که این روند تا کجا ادامه دارد؟ بانک گلدمن‌ساکس پیش‌بینی قیمت نفت برنت برای دسامبر را ۵ دلار افزایش داده و میانگین سال ۲۰۲۷ را ۸۰ دلار برآورد کرده است؛ رقمی بالاتر از برآورد قبلی ۷۰ دلاری. این بانک هشدار داده اگر تولید نفت خلیج فارس همچنان به طور محسوس پایین‌تر از سطح پیش از جنگ باقی بماند، قیمت برنت می‌تواند حتی تا ۱۲۰ دلار در هر بشکه بالا برود.

مشکل اصلی اما فقط گران بودن نفت خام نیست، کمبود پالایشگاه است. ۳ مرکز بزرگ پالایش جهان یعنی خاورمیانه، روسیه و چین، به دلیل جنگ و تحریم‌های صادراتی از چرخه عادی فعالیت خارج شده‌اند و پالایشگاه‌های ساحل خلیج مکزیک آمریکا با حداکثر ظرفیت کار می‌کنند تا این خلأ را جبران کنند. یک تحلیلگر بازار سوخت این وضعیت را «یک بحران خاموش اما بسیار نگران‌کننده» توصیف کرده؛ بحرانی که دیر یا زود در قیمت هر لیتر بنزین و گازوئیل خودش را نشان می‌دهد.

جنگ نفتکش‌ها نقشه سیاسی بازار انرژی را نیز بازچینی می‌کند. از دست رفتن ظرفیت‌های بزرگ صادراتی ذیل جنگ نفتکش‌ها به یک مسأله بلندمدت تبدیل خواهد شد. به علاوه، خریداران آسیایی – به‌خصوص چین که در حال اتمام ذخایر خود است- و رقابت بر سر گاز طبیعی مایع، شاکله کلی بازار انرژی را به هم ریخته است. عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در خلیج فارس، هم زیر فشار حملات حوثی‌های یمن به زیرساخت‌های نفتی‌اش هست و هم زیر سایه سنگین ناامنی دریایی و جنگ نفتکش‌ها؛ وضعیتی که ظرفیت مازاد اوپک‌پلاس برای جبران کسری بازار را محدودتر می‌کند.

در آن سوی معادله، آمریکا نیز تلاش می‌کند با اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران با فشار به خطوط هوایی که شامل بیش از ۲۴ شرکت هواپیمایی و شرکت‌های بار هوایی خارجی می‌شود، معادلات جنگ نفتکش‌ها را تغییر دهد و روند جنگ را برگرداند. این رویکرد دوگانه، یعنی فشار نظامی همراه

با فشار مالی و تحریمی، نشان می‌دهد استراتژی ترامپ ترکیبی از میدان جنگ و میدان اقتصاد است. با این حال، همین درگیری طولانی هزینه سیاسی سنگینی برای ترامپ و همراهانش در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر رقم می‌زند، چرا که گرانی انرژی، همیشه یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین موضوعات برای رأی‌دهنده آمریکایی بوده است.

■ ایران نزدیک‌تر از همیشه به برگ برنده

با وجود تمام اظهارات و نظرات با این هدف که موقعیت تنگه هرمز را ضعیف و در حال از کار افتادن جلوه دهند اما تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین برگ برنده ایران در این معادله باقی مانده است. کنترل نسبی بر مسیری که یک‌پنجم انرژی جهان از آن عبور می‌کند، به ایران علاوه بر اینکه قدرت چانه‌زنی می‌دهد، بیانگر این است در جنگ کنونی هنوز برگ‌های برنده‌ای جهت تغییر روند جنگ وجود دارد که کامکان بالفعل نشده‌اند. به علاوه اعلام منطقه محدود خارج از تنگه، در کنار هدف قرار دادن نفتکش‌های مرتبط با محاصره و تسلط کامل سپاه پاسداران بر عبور و مرور کشتی‌ها نشان می‌دهد ایران کاملاً توانایی این را دارد که هزینه جنگ اقتصادی را متقابل کند و یک طرف منفعل در این جنگ نیست. سیاست خردمندان در این مرحله، بهره‌گیری دقیق و حساب‌شده از همین اهرم است، به گونه‌ای که فشار بر طرف مقابل افزایش یابد، بی‌آنکه دامنه درگیری از کنترل خارج شود و هزینه‌های داخلی از تاب‌آوری اقتصاد کشور فراتر رود. بنابراین باید گفت جنگ نفتکش‌ها فصل تازه از رویارویی ایران و آمریکاست که نشان می‌دهد بسیاری از برگ‌های تعیین‌کننده در سرنوشت جنگ هنوز رو نشده‌اند؛ فصلی که بر خلاف نبردهای زمینی و هوایی، اثرش را مستقیم بر آشپزخانه و پاک بنزین هر خانواده، از نیویورک تا لندن تا توکیو می‌گذارد. عبور بهای نفت برنت از مرز ۱۰۰ دلار، افزایش سرسام‌آور نرخ دیزل در آمریکا، کمبود گاز در اروپا و فشار بر بودجه دولت‌های غربی، همگی نشانه‌هایی از یک واقعیت ساده است: زمانی که جنگ گلوگاه انرژی جهان تشدید می‌شود، هیچ کشوری، حتی قدرتمندترین اقتصاد نمی‌تواند خودش را از پیامدهایش کنار بکشد.



021-92 00 00 00
www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا



رسپینا
پهنای باند اختصاصی